



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

فارسی

فارسی

ثَلَاثَةُ الْأُصُولِ وَأَدِلَّتُهَا

اصول سه گانه و ادله آن



شيخ محمد التميمي رحمه الله

ثَلَاثَةُ الْأُصُولِ وَأَدِلَّتْهَا

اصول سه گانه و ادله آن

لِلشَّيْخِ

مُحَمَّدِ التَّمِيمِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ

شيخ محمد التميمي رحمه الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصول سه گانه و ادله آن

بدان - رحمتِ الله بر تو باد - که بر ما واجب است فراگیری
چهار مسأله:

نخست: علم: و آن شناختِ الله تعالی، و شناختِ پیامبر او، و
شناختِ دین اسلام با ادله است.

دوم: عمل به آن.

سوم: دعوت در راه الله.

چهارم: صبر در برابر آزار در این راه.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾﴾

(«سوگند به عصر (۱)»)

که انسان در زیان است (۲)

مگر مؤمنان نیکوکاری که یکدیگر را به حق سفارش نموده‌اند و به شکیبایی توصیه کرده‌اند (۳)» [سورهٔ عصر: ۱-۳].

امام شافعی رحمه الله تعالی می‌فرماید: «اگر خداوند برای مخلوقاتش حجتی جز این سوره نازل نکرده بود برایشان کافی بود»
امام بخاری رحمه الله تعالی می‌گوید: باب در مورد اینکه علم پیش از گفتار و کردار است؛ و دلیل آن: این فرمودهٔ خداوند است: «پس بدان که هیچ معبودی جز الله نیست و برای گناهت آمرزش بخواه...» [محمد: ۹]، بنابراین پیش از گفتار و کردار، از علم آغاز نمود.

بدان - رحمت الله بر تو باد - که هر مرد و زن مسلمان باید این سه مسأله را فراگیرد و به آن‌ها عمل کند:

نخست: اینکه الله تعالی ما را خلق نمود، و به ما روزی داد، و ما را بیهوده رها نکرد؛ بلکه به سوی ما پیامبری فرستاد؛ پس هرکه او را اطاعت کند وارد بهشت می‌شود، و هرکه نافرمانی‌اش کند وارد دوزخ

می شود.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً ﴿١٦﴾﴾

«یقیناً ما پیامبری به سوی شما فرستادیم که بر شما شاهد [گواه] است؛ همان گونه که به سوی فرعون پیامبری فرستادیم (۱۵)

آن گاه فرعون از آن پیامبر نافرمانی [و با او مخالفت] کرد، و ما او را به شدت مجازات کردیم (۱۶)» [المزمل: ۱۵-۱۶].

دوم: اینکه الله متعال راضی نیست که در عبادتش کسی را با او شریک سازند؛ نه فرشته‌ای مُقَرَّب و نه پیامبری که به سوی مردم فرستاده شده است؛ و دلیل آن، فرموده الله متعال است:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾

«و اینکه مساجد از آن الله است؛ پس کسی را [در مساجد] با الله [به عبادت] نخوانید» [جن: ۱۸].

سوم: اینکه هرکس از پیامبر اطاعت کند و الله را یکتا بداند؛ برای او دوستی و یاری کسانی که با الله و رسولش به دشمنی برخاسته‌اند جایز نیست، هرچند نزدیک‌ترین خویشاوند باشد.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾﴾

«ای پیامبر، [هیچ قومی را نمی‌یابی که به الله و روز قیامت ایمان داشته باشند] و در عین حال، [با کسانی که با الله و رسولش دشمنی و] مخالفت می‌ورزند، دوستی کنند؛ اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند. آن‌ها کسانی هستند که [الله] ایمان را در [صفحه] دل‌هایشان نوشته است و به روحی از جانب خود، آن‌ها را تقویت [و تأیید] نموده است؛ و آن‌ها

را به باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که از زیر [درختان] آن جویبارها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند. الله از آن‌ها راضی است و آن‌ها [نیز] از الله راضی‌اند. آن‌ها حزبِ الله هستند. آگاه باشید! بی‌تردید، حزبِ الله رستگارانند.» [مجادله: ۲۲].

بدان - الله تو را به اطاعتش راهنمایی کند - که: حنیفیت - ملت ابراهیم - علیه السلام - این است که تنها الله را عبادت کنی و دین را برای او خالص گردانی، و الله متعال همهٔ مردم را بدان امر کرده و آنان را برای آن آفریده است؛ چنان‌که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

«و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند [و از بندگیِ دیگران سر باز زنند].» [الذاریات: ۵۶]. و «یعبدون» به معنای «یوحدون»: «موحد باشند» است.

و بزرگ‌ترین چیزی که الله متعال به آن فرمان داده، توحید است؛ و آن عبارت است از: یگانه قرار دادن الله در عبادت.

بزرگ‌ترین چیزی که الله متعال از آن نهی فرموده است: شرک است؛ و آن عبارت است از: دعای غیر الله همراه با او.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...﴾

«و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید...»

[النساء: ۳۶].

پس اگر از تو سؤال شد: سه اصلی که شناختشان بر هر انسانی واجب است کدام‌اند؟

پس بگو: شناخت بنده نسبت به پروردگارش، و دینش، و پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم.

[اصل اول]

پس اگر به تو گفته شد: «پروردگار تو کیست؟»

بگو: پروردگار من الله است که من و دیگر جهانیان را با نعمت‌های خود پرورانده است. او معبود من است و معبودی دیگر

جز او نیست؛ و دلیل آن، فرموده خداوند متعال است:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

تمام ستایش‌ها [و سپاس‌ها] از آنِ الله - پروردگار جهانیان - است؛ [سوره فاتحه: ۲]. هر آنچه جز الله است، عالم است، و من یکی از همان عالم هستم.

پس اگر از تو پرسیده شد: «پروردگارت را با چه چیزی شناختی؟»

بگو: با نشانه‌هایش و مخلوقاتش.

از نشانه‌های [توان و تدبیر] او، شب و روز و خورشید و ماه است. و از آفریده‌های او: آسمان‌های هفت‌گانه و هرکس در آنهاست، و زمین‌های هفت‌گانه و هرکس در آنهاست، و آنچه میان آن دو است.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ

وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾

«از نشانه‌های [توان و تدبیر] او، شب و روز و خورشید و ماه است. در برابر خورشید و ماه سجده نکنید؛ بلکه اگر تنها او را عبادت می‌کنید، بر الله که آن‌ها را آفریده است سجده کنید.»
[فصلت: ۳۷].

و سخن حق تعالی:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾﴾

«[ای مردم،] بی‌گمان، پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس [آن‌گونه که شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش قرار گرفت. [روشنایی] روز را با [تاریکی] شب می‌پوشاند که [هر یک،] آن [دیگری] را شتابان [و پیوسته]

می جوید و خورشید و ماه و ستارگان را [پدید آورد] که [همگی] به فرمان او به خدمت [انسان] گماشته شده اند. آگاه باشید! آفرینش و فرمانروایی، از آن اوست. پربرکت [و بزرگ] است الله که پروردگار جهانیان است.» [الأعراف: ۵۴].

رب (پروردگار): همان معبود است؛ دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرْشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۗ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾﴾

«ای مردم! پروردگار خویش را عبادت کنید؛ همان ذاتی که شما و پیشینیانتان را آفرید؛ باشد که پرهیزگار شوید (۲۱)»

همان ذاتی که زمین را برای شما گستراند و آسمان را [همچون سقفی] بالای سرتان قرار داد و از آسمان، آبی فروفرستاد و به وسیله

آن، انواع میوه‌ها را به وجود آورد تا روزی شما باشد؛ پس همتیانی
برای الله قرار ندهید، درحالی که [حقیقت را] می‌دانید (۲۲)»
[البقره: ۲۱-۲۲].

ابن کثیر رحمه الله تعالی می‌گوید: «خالقِ این اشیا، همو شایسته
عبادت است.»

و انواع عبادتی که الله تعالی به آن امر نموده است، مانند: اسلام،
ایمان، احسان؛ و از جمله: دعا، ترس، امید، توکل، رغبت، بیم،
خشوع، خشیت، انابه، یاری جستن، پناه خواستن، به فریاد خواستن،
قربانی، نذر، و دیگر انواع عباداتی که الله تعالی به آن‌ها امر نموده
است، همگی ویژه الله تعالی‌اند؛ و دلیل آن، فرمایش الله متعال است
که می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾

(و اینکه مساجد از آنِ الله است؛ پس کسی را [در مساجد] با
الله [به عبادت] نخوانید) [جن: ۱۸].

پس هرکس چیزی از عبادت را برای غیر الله انجام دهد؛ او مشرک و کافر است؛ و دلیل آن، فرمایشِ الله تعالی است:

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾﴾

(«و هرکس معبود دیگری با الله بخواند، یقیناً هیچ دلیلی بر [حقانیت] آن نخواهد داشت؛ و حساب او با پروردگارش خواهد بود. بی تردید، کافران رستگار نمی شوند.» [المؤمنون: ۱۱۷].

و در حدیث آمده است: "الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ". «دعا اساس و مغز عبادت است.»

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾﴾

(«پروردگارتان فرمود: مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می کنند، به زودی با

خواری به جهنم وارد می شوند.» [غافر: ۶۰]

دلیل خوف، این سخن حق تعالی است که:

﴿...فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«پس اگر ایمان دارید، از آنان نترسید و از من بترسید.» [آل

عمران: ۱۷۵].

دلیل رجاء، این فرموده حق تعالی است:

﴿...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ
بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾

«پس هر کس به دیدار پروردگارش [در آخرت] امید دارد، باید

کار شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک

نسازد.» [الکهف: ۱۱۰].

و دلیل توکل، این فرموده حق تعالی است:

﴿...وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«و اگر مؤمنید، بر الله توکل کنید» [المائدة: ۲۳]. و این دعای

ایشان:

﴿...وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾

و هر کس بر الله توکل کند، او تعالی برایش کافی است.

[الطلاق: ۳]

دلیل امید، ترس و فروتنی، این فرموده حق تعالی است:

﴿...إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا

لَنَا خَشِيعِينَ﴾

«آنان همواره در کارهای خیر می شتافتند و در حال بیم و امید

ما را می خواندند و پیوسته برای ما [فرمانبردار و] فروتن بودند.»

[الأنبياء: ۹۰].

دلیل خشیت، این فرموده حق تعالی است:

﴿...فَلَا تُخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ...﴾

«پس از آنان تترسید و از من بترسید» [المائدة: ۳].

دلیل انابه (توبه و بازگشت به سوی الله)، این فرموده حق تعالی است:

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ...﴾

«به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم [فرمان] او شوید...».
[الزمر: ۵۴].

دلیل استعانت؛ این فرموده حق تعالی است:

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾

«[پروردگارا] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو یاری [و مدد] می‌جوییم.» [الفاتحه: ۵]، و در حدیث آمده است: "إِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ". «هرگاه کمک و یاری خواستی، از الله درخواست کمک کن»

و دلیل استعاذه (پناه بردن)، این فرموده حق تعالی است:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾﴾

«[ای پیامبر،] بگو: «به پروردگار سپیده دم پناه می برم» [فلق:

۱]، و

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾﴾

«[ای پیامبر،] بگو: «به پروردگار مردم پناه می برم» [ناس: ۱].

و دلیل استغاثه، این فرموده حق تعالی است:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ...﴾

«[روز بدر را به یاد آورید؛] آنگاه که از پروردگارتان فریادرسی

[و یاری] می خواستید و او [درخواست] شما را پذیرفت...»

[الأنفال: ۹].

و دلیل ذبح، این فرموده حق تعالی است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٤﴾ لَا

شَرِيكَ لَهُ...﴾

«بگو: بی تردید، نمازم و قربانی‌های من و زندگی و مرگم همه

برای الله - پروردگار جهانیان- است ۱۶۲

[همان ذاتی که [شریکی ندارد...]] [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳]. و از

سنت: "لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ". «الله کسی که برای غیر الله قربانی

می کند را لعنت کرده است»

دلیل نذر، این فرموده حق تعالی است:

﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾

«[بندگان نیکوکار] به نذر وفا می کنند و از روزی می ترسند که

[عذاب و] شر آن فراگیر است.» [الإنسان: ۷].

اصل دوم

شناخت دین اسلام با ادله، و آن عبارت است از: تسلیم شدن در

برابر الله با توحید، و فرمان بردن از او با طاعت، و براءت از شرک و

اهل آن.

و آن دارای سه مرتبه است: اسلام، ایمان و احسان.

و هر مرحله‌ای ارکانی دارد.

«ارکان اسلام پنج گانه‌اند: گواهی دادن به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله است، و برپا داشتن نماز، و دادن زکات، و روزه رمضان، و حج بیت الله الحرام.»

دلیل شهادت؛ این سخن حق تعالی است که:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾﴾

«الله، که [در جهان هستی] برپادارنده عدل است، گواهی داده است که معبودی [به حق] جز او نیست و فرشتگان و علما [نیز بر یگانگی و عدالت الهی گواهی می‌دهند]. معبودی [به حق] جز او نیست [که] شکست‌ناپذیر حکیم است.» [آل عمران: ۱۸]

و معنای آن: معبود به حقی جز الله نیست.

«لَا إِلَهَ» نفی کننده همه آنچه است که جز الله عبادت می‌شود.

«إِلَّا اللَّهُ»: اثبات اختصاص عبادت به الله یگانه است.

الله سبحانه و تعالی در عبادتش هیچ شریکی ندارد، چنانکه در
مُلک خود نیز هیچ شریکی ندارد.

و تفسیری که آن را روشن می‌سازد؛ فرموده خداوند متعال است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۳۶﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي..﴾

«[یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر و قومش گفت: «از

آنچه شما عبادت می‌کنید، بیزارم ۲۶

مگر از ذاتی که مرا آفریده است..» [الزخرف: ۲۶، ۲۷]، و

سخن حق تعالی که:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ
إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ
اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۶۱﴾﴾

«[ای پیامبر]، بگو: «ای اهل کتاب، به سوی سخنی بیابید که

میان ما و شما عادلانه است [و انحرافی از حق در آن نیست]: که

جز الله را عبادت نکنیم و چیزی را [در قدرت و تدبیر] با او شریک
 نسازیم و برخی از ما برخی دیگر را به جای الله، معبود نگیرند». اگر
 آنان [از این دعوت] روی گردانند، پس [ای مؤمنان، به آنان]
 بگویید: «گواه باشید که ما تسلیم [اوامر الهی] هستیم». [آل عمران:
 ۶۴].

و دلیل شهادت دادن به اینکه محمد فرستاده الله است، فرمایش
 او تعالی است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ
 عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (۱۲۸)

«یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سویتان آمد که رنج دیدنتان
 بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و
 [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است.» [توبه: ۱۲۸].

معنای گواهی دادن به اینکه محمد فرستاده الله است: اطاعت از
 او در آنچه امر می کند و تصدیق او در آنچه خبر می دهد و دوری از

آنچه نهی می‌کند و بازمی‌دارد؛ و اینکه نباید الله را عبادت کرد مگر به همان شکلی که خود مشروع ساخته است.

دلیل نماز و زکات و تفسیر توحید، این سخن حق تعالی است که می‌فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾﴾

«و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند درحالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات پردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم.» [بینه: ۵].

و دلیل روزه، این سخن حق تعالی است که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٧٨﴾﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است

همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید.» [سوره بقره: ۱۸۳].

دلیل حج: این سخن حق تعالی است که:

﴿...وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾

«و بر مردم [واجب] است که برای [عبادت] الله قصد آن خانه کنند [البته برای] کسی که توانایی [مالی و جسمی] رفتن به سوی آن را دارد؛ و هر کس [به فریضه حج] کفر ورزد، بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است.» [آل عمران: ۹۷]

مرتبه دوم: ایمان؛ و آن: هفتاد و چند شعبه است؛ برترین آن‌ها گفتن لا اله الا الله است و پایین‌ترینش برداشتن سبب اذیت و آزار از راه، و حیا شعبه‌ای از ایمان است.

ارکان آن شش مورد است: ایمان به الله، و ملائکه او، و کتاب‌هایش، و پیامبران‌ش، و روز آخرت، و ایمان به تقدیر - خیر آن

و شرّ آن - .

دلیل بر این ارکانِ شش گانه، این فرموده حق تعالی است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ...﴾

«نیکی [فقط] این نیست که [برای نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد...»
[بقره: ۱۷۷]

و دلیل قدر، این فرموده حق تعالی است:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾

«بی تردید، ما هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم» [القمر: ۴۹].

مرتبه سوم: احسان - یک رکن است :- و آن این است که چنان الله متعال را عبادت کنی که گویا او را می بینی؛ پس اگر او را نمی بینی [این را بدانی که] او تو را می بیند.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ (۲۱۸)

«بی تردید، الله با کسانی است که پرهیزگاری کردند و کسانی

که نیکوکارند.» [النحل: ۱۲۸]

و سخن حق تعالی این است که:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ (۲۱۷) الَّذِي يَرِنُكَ حِينَ تَقُومُ ﴿۲۱۸﴾ وَتَقَلُّبِكَ

فِي السُّجُودِ ﴿۲۱۹﴾

«و بر [الله] شکست ناپذیرِ مهربان توکل کن ۲۱۷

همان ذاتی که چون [برای عبادت] برمی خیزی، تو را

می بیند ۲۱۸

و حرکت [و نشست و برخاست] تو را میان سجده کنندگان

[می نگرد]» [الشعراء: ۲۱۷-۲۱۹].

و سخن حق تعالی:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ...﴾

«و [ای پیامبر]، تو مشغول هیچ کاری نیستی و هیچ [آیه‌ای از] آن [= قرآن] را نمی‌خوانی؛ و [شما نیز ای مردم]، هیچ کاری نمی‌کنید، مگر اینکه آنگاه که به آن می‌پردازید، ما بر [کارهای] شما گواهیم...» [یونس: ۶۱] آیه.

و از سنت، دلیل آن: حدیث مشهور جبرئیل است، از عمر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: "بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ، شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! یکی از روزها در حالی که ما نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم ناگهان مردی با لباس بسیار سفید، و موهای بسیار سیاه بر ما وارد شد، اما نشانه‌های سفر در او دیده نمی‌شد، و هیچ کدام از ما او را نمی‌شناخت، تا اینکه پیش پیامبر ﷺ نشست، به طوری که زانوهایش

را به زانوهای ایشان چسباند و دو دستش را روی دو رانش گذاشت
و گفت: ای محمد!

أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ؟ دِرْبَارَهُ اسْلَامِ بَه مِنْ بَغْو؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِسْلَامُ: أَنْ تَشْهَدَ أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
رَسُولُ اللَّهِ، وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ
الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، قَالَ: صَدَقْتَ - فَعَجِبْنَا لَهُ، يَسْأَلُهُ
وَيُصَدِّقُهُ. - پس رسول الله ﷺ فرمود: «اسلام این است که گواهی
دهی که هیچ معبود [به حق] جز الله وجود ندارد و اینکه محمد
فرستاده الله است، و نماز را برپا بداری، و زکات را بدهی، و رمضان
را روزه بگیری، و اگر توانایی داشتی حج خانه خدا را به جای
آوری». گفت: «راست گفتمی» - پس ما از او به شگفت آمدم که
از او می پرسد و او را تصدیق می کند.

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ؟ گفت: پس مرا از ایمان آگاه ساز

قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ
بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ، قَالَ: صَدَقْتَ. فرمود: «اینکه به الله و ملائکه اش

و کتاب‌هایش و پیامبرانش و روز آخرت ایمان داشته باشی؛ و به تقدیر - خیر آن و شر آن - ایمان داشته باشی». گفت: راست گفتی.

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ؟ گفت: از احسان به من خبر بده.

قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. فرمود:

«این است که الله متعال را چنان عبادت کنی که گویا او را می‌بینی؛

پس اگر او را نمی‌بینی، [این را بدان که] او تو را می‌بیند.»

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ؟ گفت: پس درباره قیامت به من خبر

بده؟

قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. فرمود: «پرسش‌شونده

درباره آن از پرسشگر آگاه‌تر نیست.»

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا؟ گفت: پس مرا از نشانه‌های آن خبر

بده؟

قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمُّ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ،

يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ. فرمود: «اینکه کنیز بانوی خویش را بزاید؛ و

اینکه بیینی پابرهنگان برهنه و تهی‌دست، شبانان گوسفند، در بلند

کردن بناها بر یکدیگر پیشی می گیرند».

قَالَ: ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا عُمَرُ! أَتَدْرِي مَنْ السَّائِلُ؟
قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ، أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ".
سپس [آن مرد] رفت و مدتی درنگ کردم؛ سپس به من فرمود: «ای
عُمر! آیا می دانی سؤال کننده که بود؟» گفتم: «الله و رسولش
آگاه ترند». فرمود: «او جبرئیل بود؛ نزد شما آمده بود تا دینتان را به
شما بیاموزد».

[اصل سوم]

شناخت پیامبران محمد ﷺ: او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب
بن هاشم است، و هاشم از قریش است، و قریش از عرب، و عرب
از نسل اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل هستند، که بر آن دو و بر پیامبر
ما بهترین درود و سلام باد.

شصت و سه سال عمر کرد؛ که چهل سالش پیش از پیامبری و
بیست و سه سالش را پیامبر -صلی الله علیه وسلم- بود.

با «اقرأ») نبوت یافت، و با «مدثر») به رسالت مبعوث شد، و شهر او مکه است.

الله متعال پیامبر را با هشدار نسبت به شرک مبعوث گرداند، و او به سوی توحید دعوت می‌کند؛ و دلیل آن، قول او تعالی است:

﴿يَأْتِيهَا الْمَدْيِرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾
وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَمْنُنَ تَسْتَكْثِرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾﴾

«ای جامه برسرکشیده ۱»

برخیز و بیم ده ۲»

و پروردگارت را بزرگ شمار ۳»

و جامه‌ات را پاکیزه بدار ۴»

و از پلیدی [عبادت معبودان باطل] دوری کن ۵»

به این هدف بذل و بخشش مکن که افزون طلبی کنی ۶»

و برای [رضایت] پروردگارت شکینا باش «[سوره مدثر: ۱-۷].»

و معنای

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾

«برخیز و بیم ده» هشدار نسبت به شرک، و دعوت به توحید

است.

﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ﴾

«و پروردگارت را بزرگ شمار»

یعنی: او را با توحید بزرگ بدار.

﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾

«و جامه‌ات را پاکیزه بدار»

یعنی: اعمالت را از شرک پاکیزه بدار.

﴿وَالرَّجْزَ فَأَهْجُرْ﴾

«و از پلیدی [عبادت معبودان باطل] دوری کن»

الرجز: بت‌ها می‌باشند؛ و هجر و دوری کردن از آنها:

ترک نمودن آن‌ها و براءت و بیزاری از خود آن‌ها و از بت پرستان می باشد.

پیامبر ﷺ ده سال به توحید دعوت داد؛ و پس از این ده سال، به معراج برده شد و نمازهای پنج‌گانه بر او فرض گردید؛ و سه سال در مکه نماز گزارد، و پس از آن امر به هجرت به مدینه شد.

و هجرت: منتقل شدن از سرزمین شرک به سرزمین اسلام است. و هجرت فریضه‌ای است بر این امت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام، و این فریضه تا برپایی قیامت باقی است.

دلیل آن، این فرموده حق تعالی است:

﴿ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾

«کسانی که [با ماندن در سرزمین کفر] نسبت به خویش

ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند [به آنان] می‌گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می‌دهند: «ما در زمین از ستمدیدگان بودیم». [فرشتگان] می‌گویند: «آیا زمینِ الله گسترده نبود تا در آن مهاجرت کنید [و ایماتان را حفظ نمایید]؟» پس جایگاهشان دوزخ است و چه بد سرانجامی است! ۹۷

مگر آن مردان و زنان و کودکان ستم‌دیده‌ای که نمی‌توانند چاره‌ای بیندیشند و راه به جایی نمی‌برند. [النساء: ۹۷-۹۸].

و الله تعالی می‌فرماید:

﴿يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾

«ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان، زمین من گسترده است؛ [پس برای رهایی از فشار مشرکان، هجرت کنید] و تنها مرا عبادت کنید». [العنکبوت: ۵۶].

بعوی رحمه الله می‌گوید: «سبب نزول این آیه: دربارهٔ مسلمانانی است که در مکه بودند و هجرت نکرده بودند؛ الله متعال آنان را

مؤمن خطاب کرد.»

دلیل آن بر هجرت از سنت، این فرموده رسول خدا ﷺ است:
"لَا تَنْقَطِعُ الْهَجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ، وَلَا تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ
الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا". «هجرت تا زمانی که توبه پایان یابد، پایان
نمی یابد؛ و توبه تا زمانی که خورشید از مغرب طلوع کند، پایان
نمی یابد.»

چون پیامبر ﷺ در مدینه مستقر شدند، به باقی شرایع اسلام - مانند
زکات و روزه و حج و اذان و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر
- مأمور شدند و بر این امر ده سال مداومت داشتند.

و ایشان ﷺ از دنیا رفتند و دینشان باقی است، و این دین ایشان
است؛ هیچ خیری نبود مگر اینکه امت را بدان راهنمایی کرد، و هیچ
شری نبود مگر اینکه امت را از آن برحذر داشت.

و آن خیری که الله متعال او را بدان راهنمایی کرد: توحید، و هر
آنچه الله متعال دوست داشته و رضایت او را به دنبال دارد، است.
و آن شری که الله متعال از آن بر حذر داشته است: شرک، و

همه آنچه را که الله تعالی ناپسند می‌دارد و از آن ابا دارد، است.

الله متعال او را به سوی همه مردم مبعوث ساخت، و اطاعت او را بر همه جنیان و انسان‌ها فرض نموده؛ و دلیل آن، فرمایش الله متعال است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...﴾

«بگو: ای مردم، من فرستاده الله به سوی همه شما هستم...»

[اعراف: ۱۵۸].

و الله متعال دین را به وسیله آن کامل کرده است؛ و دلیل آن این سخن حق تعالی است که:

﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾

«امروز دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و

اسلام را [به عنوان بهترین] دین برایتان برگزیدم.» [مائده: ۳].

و دلیل برگزیدن او، این سخن حق تعالی است که:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ
مُخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾﴾

«ای پیامبر، [قطعاً تو خواهی مُرد و آنان [نیز] خواهند مُرد ۳۰»

آنگاه [شما مردم] در روز قیامت، نزد پروردگارتان [دربارهٔ مسایل
مورد اختلاف، [مجادله خواهید کرد.]] [زمر: ۳۰-۳۱]

و مردم هنگامی که بمیرند، برانگیخته می‌شوند؛ و دلیل آن،
چنان که الله متعال می‌فرماید:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً
أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾﴾

«شما را از آن [خاک] آفریدیم و به آن بازمی‌گردانیم و بار دیگر
[در قیامت] از آن بیرون می‌آوریم.» [طه: ۵۵]، و این سخن حق
تعالی که:

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا
وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾﴾

«و الله شما را همچون گیاهی از زمین رویانید ۱۷»

سپس شما را به آن [زمین] بازمی گرداند و بار دیگر شما را بیرون می آورد.» [نوح: ۱۷-۱۸]

پس از رستخیز، محاسبه خواهند شد و برای اعمالشان جزا می بینند؛ و دلیل آن، فرمایشِ الله متعال است:

﴿...لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾

«[راه خیر و شر را به انسان ارائه کرد] تا بدکاران را در برابر رفتارشان کیفر دهد و نیکوکاران را [با نعمت‌های بهشت] پاداش نیکو عطا نماید.» [النجم: ۳۱]

و هرکس بعث را دروغ بیندارد کافر شده است؛ و دلیل آن، این است که الله تعالی می فرماید:

﴿رَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

«کسانی که کافر شدند، گمان بردند که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: «آری؛ به پروردگارم سوگند، یقیناً [همه] برانگیخته خواهید شد؛ آنگاه از آنچه می‌کردید به شما خبر خواهند داد؛ و این [کار] بر الله آسان است.»» [تغابن: ۷].

و الله متعال همه پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستاده است؛ و دلیل آن، این است که الله متعال می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ...﴾

«پیامبرانی [فرستادیم] که بشارت‌بخش و بیم‌دهنده بودند تا برای مردم پس از [بعثت] پیامبران، در مقابل الله [هیچ بهانه و] حجتی نباشد» [النساء: ۱۶۵].

نخستین آن‌ها نوح علیه السلام است.

و آخرین آنان محمد ﷺ است، و او آخرین پیامبران است و بعد از او پیامبری نخواهد بود؛ و دلیل آن، این است که الله متعال

می فرماید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ
النَّبِيِّينَ...﴾

«محمد هرگز پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ بلکه رسول الله
و خاتم پیامبران است...» [احزاب: ۴۰].

و دلیل بر اینکه نخستین آنان نوح علیه السلام است، این فرموده
خداوند متعال است که:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ...﴾

«[ای پیامبر،] بی تردید، ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که
به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم...» [النساء: ۱۶۳].

و هر امتی را الله پیامبری به سوی آن فرستاده است - از نوح تا
محمد ﷺ - تا آنان را به عبادت الله به یگانگی فرمان دهد و از عبادت
طاغوت نهی شان کند؛ و دلیل آن، قول او تعالی است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

الطَّغُوتِ... ﴿

«و یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که:
«الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری
کنید...» [النحل: ۳۶].

خداوند بر همهٔ بندگان فرض نموده است: کفر به طاغوت و
ایمان به خداوند.

ابن قیم رحمه الله تعالی می‌گوید: معنای «طاغوت»: هر آنچه
که بنده به وسیلهٔ آن از حدِّ خود تجاوز کند - خواه معبود باشد، یا
متبوع، یا مطاع.

و طاغوت‌ها بسیارند، و سرانشان پنج تن‌اند: ابلیس - لعنت الله بر
او باد - و کسی که درحالی که راضی است، مورد عبادت قرار
می‌گیرد، و کسی که مردم را به عبادتِ نفسِ خویش فرا می‌خواند،
و کسی که ادعای چیزی از علم غیب می‌کند، و کسی که به غیر از
آنچه الله نازل کرده حکم می‌کند.

دلیل آن، این فرمودهٔ حق تعالی است:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ
وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ
عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾﴾

«در [پذیرش] دین، هیچ اجباری نیست؛ به راستی که راه راست
[و هدایت] از راه انحراف [و گمراهی] روشن شده است؛ پس هر
کس به طاغوت [= هر آنچه به جای الله عبادت می شود] کفر بورزد
و به الله ایمان بیاورد، قطعاً به محکم ترین دستاویز چنگ زده است
که هرگز نخواهد گسست؛ و الله شنوای داناست.» [بقره: ۲۵۶] و
این معنای «لااله الاالله» است، و در حدیث آمده است: "رَأْسُ
الْأَمْرِ: الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ: الصَّلَاةُ، وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ". «اساس امر، اسلام است؛ و ستون اسلام نماز است؛ و نقطه
اوجش، جهاد در راه الله است.»

والله اعلم.

فهرست

۷..... [اصل اول]
۱۷ [اصل دوم]
۲۸ [اصل سوم]





رسالة الحرمين

پیام الحرمین

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبانهای مختلف

